

گفتمان رسانه طراز مکتب سلیمانی

سیدعلی محمد رضوی¹

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیست و یکم، شماره 2، پیاپی 82، تابستان 1399؛ صفحات 153 - 125

تاریخ پذیرش نهایی: 1399/08/30

تاریخ دریافت: 1399/08/17

چکیده

مؤلفه‌های شکل‌دهنده به مکتب سلیمانی دارای ابعادی مختلف و در جهت سیر انفسی و آفاقی است که در چارچوب نحوه‌ی بر ساخته شدن کنش، دانش و بینش شخصی او تجلی پیدا کرده و با استفاده از دال‌های مرکزی و هویت‌ساز توانسته مجموعه‌ای از زنجیره‌های هم‌ارزی و نظامی منسجم و ترقی‌خواه را در زیست توحیدی خود دنبال نماید. چنین مکتبی، که مبتنی بر پارادایمی توحیدی است و زیرساخت و بستر معنابخش و هویت‌دهنده به کنشگری‌های شهید سلیمانی بر پایه مضامین فرهنگی و ایدئولوژیک بنا شده است. طبیعتاً مجموعه اجزا و عناصر موجود در این پارادایم که قرار است در این مکتب نقش‌آفرینی نماید و در راستای اهداف بلند آن گام بردارد لازم است با نظام‌واره‌های ارزشی، بینشی و کنشی موجود در شخصیت شهید هماهنگ و همراه باشد. رسانه به عنوان یکی از این ابزارها تلقی می‌شود که گسترش این اندیشه در قالب‌ها و مضامین مختلف از مجرای آن صورت می‌گیرد و در مقام تسری بخش گزاره‌های مکتب در گستره ژئومدیا برای ایجاد قطب‌های جریان رسانه‌ای همسو و ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک می‌تواند عمل نماید. مقاله حاضر ضمن بررسی مؤلفه‌های برجسته گفتمانی مکتب سلیمانی درصدد است با رویکرد توصیفی و تحلیلی به این پرسش پاسخ دهد که رسانه طراز مکتب سلیمانی دارای چه مؤلفه‌ها یا دال‌های مرکزی و گفتمانی است و در اعمال قدرت گفتمان این مکتب چه نقش یا نقش‌هایی می‌تواند ایفا نماید. یافته‌ها نشان می‌دهد رسانه طراز مکتب سلیمانی رسانه‌ای به لحاظ هنجاری، دارای جهان بینی توحید محور، با دارا بودن بودن مسئولیت اجتماعی در برابر مردم، ولایت‌افزا، قدرت گفتمانی فراحوزه‌ای، استعمارستیز و حامی مستضعفان می‌باشد.

واژگان کلیدی

سلیمانی، مکتب سلیمانی، رسانه، گفتمان، رسانه‌های نوین

مقدمه و طرح مساله

«به شهید حاج قاسم سلیمانی به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به چشم یک مکتب، یک راه و یک مدرسه درس آموز نگاه کنیم». این جمله بخشی از بیانات رهبر معظم انقلاب درباره شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی است. ویژگی‌های خاص شهید سلیمانی در گستره ارتباطی و اندیشه‌ای، عملیاتی و استراتژیکی اقتضا می‌کند که تبیین و تحلیل شود.

مکتب دارای مجموعه‌ای از باورداشت‌ها، اعتقادات، رفتارها، بایسته‌ها و اصول مدون برای ایجاد یک جهان‌بینی خاص در جهت تفسیر نگرش نسبت به جهان هستی و تبیین ارتباط آن با انسان است. در درون هر مکتبی این عناصر به نحوی منسجم و هدفمند در راستای شکل دادن به مسیر و روش کلی حاکم بر آن مکتب مورد توجه قرار دارند. مؤلفه‌های تعیین‌کننده ماهیت، معرفت و روش هر مکتب بر اصول هستی‌شناسی، توجه به معنا و تبیین‌گری ماهیت و مفهوم، شناخت‌شناسی و مسیر دستیابی و نائل شدن به اهداف محوری استوار است. شناخت کلی بینش، منش و روش مستلزم شناخت رفتار فرد در سطح خرد و ساختارهای ایدئولوژیک در سطح کلان می‌باشد. بخشی از عناصر این ساختارهای ایدئولوژیک فرامادی هستند و توجه به آنهاست که می‌تواند فرایند شناخت را تکمیل نماید. از سوی دیگر رفتارشناسی موجود در مکتب به نحو مؤثری با چگونگی ایجاد، مبادله، تفسیر و فهم پیام وابسته است. به همین دلیل است که گفته می‌شود برای نیل به ماهیت و شناخت مکتب، نیازمند تحقیقاتی در هر کدام از این حوزه‌های معرفتی هستیم و لازمه آن برای پژوهشگران ترکیب روش‌های علمی و انسانی است تا بتوان به پاسخی معتبر و گزاره‌هایی قابل اتکا دست یافت و نسبت به ترویج آگاهی و دانش برای شکل دادن به گفتمان مربوط به آن مکتب در سطح جامعه اقدام نمود.

امروزه رسانه‌ها نقشی جدی و موثر در فرایندهای گفتمانی و مکاتب حوزه‌های علوم ارتباطات، علوم اجتماعی و همچنین اقتصاد سیاسی ایفا می‌نمایند. رسانه‌ها با توجه به کارکردها و نقش‌هایی که می‌توانند در تبلیغ فرهنگ سازی، آموزش، اطلاع رسانی و آگاهی بخشی و بسیج افکار عمومی در حوزه‌های مختلف داشته باشند، قاعدتاً بیش از هر مؤلفه دیگری می‌توانند ایفاگر نقش سازنده یا تخریب‌گرانه در نظام اجتماعی و سیاسی و در درون هر مکتب باشند. رسانه در مکتب سلیمانی همانند شخصیت آن شهید والا مقام باید به عنوان یک سخنگوی مسلط و متبحر، جدی و موثر در ترویج جوهره ناب گفتمان انقلاب

اسلامی تبدیل شود. بر این اساس در این گفتمان، رسانه، بسان ابزاری برای نشر معارف و محتوای اندیشه‌ای انقلاب اسلامی می‌باشد. توجه به اهمیت رسانه در گفتمان سازی و ایجاد جریان سازی‌های مطلوب و سازنده برکسی پوشیده نیست. همچنان که در بیان مقام معظم رهبری «امروز تأثیر رسانه‌ها و تلویزیون‌ها و هنرها و این شبکه‌های عظیم اطلاع‌رسانی اینترنتی و ... از سلاح و از موشک و از بمب اتم بیشتر است»؛^۱ بنابراین باید يك مقاومت رسانه‌ای متکی به تکلیف‌مداری در گفتمان رسانه‌های انقلاب شکل بگیرد تا بتواند در برابر حجم‌های رسانه‌های جریان پارادایم مسلط جهانی مقاومت کند و ارزش‌های گفتمان مقاومت اسلامی را در سطوح مختلف به جهانیان مخابره نماید. به همین دلیل است که مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «من برای مردم خودمان عرض می‌کنم که این رسانه‌های جهانی را بشناسید.»^۲ برای گسترش مؤلفه‌ها و نشر آموزه‌های درونی مکتب شهید سلیمانی که برگرفته از گفتمان اسلام و انقلاب است باید رسانه‌ها ابعاد این مکتب را تبیین کنند و به افکار عمومی همه آزادیخواهان و استکبارستیزان جهانی بشناسانند.

الگوهای رسانه‌ای جهان

هربرت الچول در کتابی که در سال ۱۹۸۴ با عنوان «عوامل قدرت»^۳ منتشر ساخت، این بحث را مطرح می‌کند که نظریات ششگانه هنجاری که درباره رسانه‌ها ارائه شده اند چندان با واقعیت تطبیق نمی‌کنند و صرفاً محصول جنگ سرد می‌باشند.

به نظر وی، رسانه‌های همگانی عوامل آن کسانی هستند که قدرت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را در همه نظام‌ها کنترل می‌کنند. مطبوعات یک کشور ارتباط تنگاتنگی با نظام سیاسی آن کشور دارند. آنها شکل و رنگ ساختارهای اجتماعی و سیاسی را که درون آنها به فعالیت می‌پردازند به خود می‌گیرند.

الچول پس از مطالعه گسترده‌ای که از تاریخ و کارکرد نظام‌های مطبوعاتی جهان به عمل می‌آورد، نتیجه می‌گیرد که در جهان امروز فقط سه مدل رسانه‌ای وجود دارد:

۱. مدلی که در رابطه با جهان اول وجود دارد (لیبرال - سرمایه‌داری).

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۲۸/۲/۱۳۸۳.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان صدا و سیما، ۱۱/۹/۱۳۸۳.



۲. مدلی که در جهان دوم وجود دارد (شوروی و نظام‌های سوسیالیست).

۳. مدلی که در رابطه با جهان سوم وجود دارد (در حال توسعه).

او این سه مدل را به ترتیب نظام‌های «بازار»، «مارکسیست» و «در حال توسعه» نام‌گذاری می‌کند.

علی‌رغم تفاوت‌هایی که الچول بین این سه نظام مطبوعاتی تشخیص می‌دهد به این نتیجه دست می‌یابد که در جهان مطبوعات «هفت قانون ژورنالیسم» وجود دارد که در کلیه نظام‌های سیاسی - ارتباطی حاکم است. این قوانین هفت‌گانه به قرار زیرند:

۱. در همه نظام‌های مطبوعاتی، رسانه‌های خبری عوامل آن کسانی هستند که قدرت سیاسی و اقتصادی را در کنترل خود دارند. روزنامه‌ها، مجلات و تولیدات رادیو و تلویزیون بازیگران مستقلی نیستند، هر چند بعضی از آنها می‌توانند بالقوه مستقل عمل کنند.

۲. محتوای رسانه‌های خبر غالباً منافع کسانی را منعکس می‌کنند که هزینه‌هایشان را تأمین می‌کنند.

۳. همه نظام‌های رسانه‌ای بر این ادعا پافشاری می‌کنند که به آزادی بیان پایبندند هر چند آزادی بیان به شیوه‌های مختلف تعریف شده است.

۴. همه رسانه‌ها اصل مسئولیت اجتماعی را تأیید می‌کنند و مدعی هستند که به نیازهای مردم و منافع آنها خدمت می‌کنند. آنها همچنین ادعا می‌کنند که هدفشان این است که دسترسی مردم را به رسانه‌ها ممکن سازند.

۵. در هر یک از سه مدل فوق‌الذکر، مدل‌های دیگر "منحرف" خوانده می‌شوند.

۶. دانشکده‌های ژورنالیسم، ایدئولوژیها و نظام‌های ارزشی جامعه‌ای را که در آن فعالیت می‌کنند به دیگران منتقل می‌کنند. این دانشکده‌ها بطور اجتناب ناپذیری به صاحبان قدرت در جهت حفظ کنترل آنها بر رسانه‌ها کمک می‌کنند.

۷. عملکرد رسانه‌ها غالباً با تئوریهایی که بر اساس آن فعالیت می‌کنند متفاوت است.

الچول نه تنها قوانین فوق را به عنوان قوانینی که باید اتفاق بیفتند تجویز نمی‌کند، بلکه آنها را تنها به عنوان خلاصه مشاهدات خویش درباره آنچه که در عمل اتفاق می‌افتد بیان نموده است.^۱

۱. هرمز مهرداد، مقدمه‌ای بر نظریات و مفاهیم ارتباط جمعی، تهران: نشر فاران، ۱۳۸۰، ص ۳۸.

با توجه به این نکته، مبحث العجول از این جهت مفید است که یکبار دیگر محدودیت ارزش نظریات هنجاری را به منظور بیان واقعیت برای آشکار می‌سازد، هر چند که این هنجارها واقعیت را شکل می‌دهند و بر ذهنیات، بویژه ذهنیات کسانی که رسانه‌ها را کنترل می‌کنند و یا در آن به کار مشغولند، اثر می‌گذارند. بنابراین می‌توان گفت که رسانه‌های آزاد، ارزش محور و مستقل که بتوانند در خدمت گفتمان توحیدی قرار گیرند عملاً در رقابت رسانه‌ای جهان جای ندارند.

روش‌شناسی تحلیل رسانه در مکتب سلیمانی

تحلیل مؤلفه‌های مکتب سلیمانی باید با عنایت به منش هستی‌شناسانه و چارچوب معرفتی و رفتاری شهید به عنوان مجاهدی که دارای بینشی قوی، کارآمد، به روز و برگرفته از فطرت درونی و ایمان راسخ به محوریت توحید بوده است، در گستره شناختی خاصی مورد بررسی قرار گیرد. از آنجا که تلاش برای شناخت و فهم پدیده‌های انسانی صرفاً با یکی از روش‌های پوزیتیویستی یا تفسیری، انتقادی و حتی برساخت‌گرایی و رهایی بخش در علوم اجتماعی به معرفتی ناقص و ناتمام منجر می‌شود، لازم است این فهم و شناخت در یک مقوله جامع و همه‌جانبه مورد توجه قرار گیرد تا بتواند رفتارهای انسانی در یک مکتب را به درستی تبیین نماید. در غیر این صورت به دلیل این توجه ناقص یا تأکید بر ابعاد مادی و محدود به عرصه کنش‌های عینی و ذهنی منحصر در زیست انسانی، آن مکتب نمی‌تواند جوابگوی نیازها و هدف نهایی انسان باشد. به همین دلیل است که شهید مطهری می‌گوید: «مکتب و ایدئولوژی ضرورت خود را می‌نمایاند؛ یعنی نیاز به یک تئوری کلی، یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم که هدف اصلی، کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن، خطوط اصلی و روش‌ها، بایدها و نبایدها، خوب‌ها و بد‌ها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص شده باشد و منبع الهام تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها برای همه افراد بوده باشد.»^۱

رسانه‌ها به عنوان ابزارهای تولید و پخش اخبار در دنیای امروزی دیگر رویکردهایی خنثی در برابر افکار عمومی ندارند. آنها در متن گفتمان‌های خود سوگیری‌ها و جانبداری را نسبت به ایدئولوژی‌ها یا خط مشی‌های سیاسی و اقتصادی ابراز می‌کنند. هر چند این عمل

عموماً به صورت پنهانی اتفاق می‌افتد ولی این خط مشی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها همواره به عنوان ابزار قدرت شکل دهنده در گفتمان‌های رسانه‌ای مورد نظر می‌باشند. کردار رسانه‌ها بر پایه زبان و معنا شکل می‌گیرد و این دو عنصر بیش از همه در چارچوب‌های گفتمانی متکی به قدرت و ایدئولوژی هستند.

معناشناسی مکتب و مؤلفه‌های مکتبی سلیمانی

مکتب مجموعه‌ای است که در ابتدا به تفسیر انسان و جهان می‌پردازد و سپس بایدها و نبایدهای انسانی را مشخص و معین می‌سازد. هم‌نیاز انسان را به جهان‌بینی مرتفع می‌کند و هم یک نظام ارزشی برای زیستن و چگونگی زیستن ارائه می‌دهد و در واقع مکتب مجموعه جهان‌بینی و ایدئولوژی یک انسان می‌باشد.

بر اساس این تعریف اگر معنای مکتب را در قالب عبارتی کوتاه و با هدف تبیین خود از «مکتب سلیمانی» بیان کنیم، باید بگوییم که مکتب عبارتست از «مجموعه‌ای از اعتقادات محکم و منسجم، رفتارهای مرتبط برخاسته از اعتقادات، خلیات و نمودهای منبعث از اعتقادات و اعمال به گونه‌ای که از فرد شخصیتی الگو و جامع ارائه می‌دهد.» سردار سلیمانی در عمل مصداق چنین انسانی بود. با نگاه اول به این خصوصیات ما به شخصیتی «فیلسوف» می‌رسیم اما واقعا او یک فیلسوف و یا دارای مشرب فلسفی خاصی نبود هر چند می‌توان از همه رفتارهای او به اصلی از اصول فلسفه اشاره داشت. او به صورت مالوف در مدرسه علمیه یا در دانشگاه تحصیل نکرده بود هر چند می‌توان او را فرزند حوزه‌های علمیه و علمی دانست و نیز می‌توان برای هر باور و رفتار و روش‌های او تفسیری دینی و علمی ارائه کرد و حتی در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها به عنوان یک «مظهر» تدریس شود. همان‌طور که در بیان رهبر معظم انقلاب و در بیانیه شهادت او آمد شهید حاج قاسم سلیمانی پیرو مکتب امام خمینی بود و از این نظر هر آنچه در تعلیماتی دینی و سیاسی، اجتماعی آمده بود در وجود و رفتار این شهید تجلی داشت. در واقع سردار سلیمانی شخصیتی متدین بود اما آلوده به افکار تحجرآمیز نبود و در عین حال که شخصیتی نواندیش و مبتکر بود ولی به تجددمآبی آلوده نبود.

ولایت‌افزایی

در بحث ولایت و رهبری سردار سلیمانی دارای رویه‌ای اعتقادی و ایدئولوژیک بوده است.

تبعیت نظری و عملی وی در موضوع ولایت فقیه کامل و جامع بوده است. ایشان در تمام امور و با تمام ظرفیت، نفوذ و توانایی اش نسبت به مساله ولایت اعتقاد داشت. در تبیین تبعیت از ولایت فقیه با يك جنبه ولایت مداری روبرو هستیم. ولایت مداری به این معنا کهفرد حرکت و کنش هایش را به گونه ای تنظیم کند که بر مدار ولایت باشد. مثلا وظیفه و رسالتی را که که ولایت به آن امر می کند، باید انجام دهد. این توصیف مفهوم ولایت مداری است که بیشتر به عنوان یک صفت شخصی است که شهید سلیمانی در این زمینه شخصی کاملاً ولایت مدار بوده است.

اما ایشان بالاتر از ولایت مداری، دارای جنبه دیگر و گسترده تری بوده که به آن ولایت افزایی گفته می شود. ولایت افزایی به این معنا که با تعاملات، ارتباطات و رفتار خود به گونه ای جذب حداکثری برای ولایت افزایی داشته اند. از این منظر می توان ادعا کرد که شهید سلیمانی واقعا علاوه بر حضور در گستره کمالی ولایت مداری، در بعد ولایت افزایی نیز شاخص بوده است. این تعاملات ولایت افزایی علاوه بر حوزه داخلی نظام، شامل قلمرو بیرونی و خارج از مرزها و به ویژه در میان کشورهای منطقه، و جوانان و مردم آزادیخواه کشورهای مختلف می شود. اگر به دقت بررسی کنیم، درمی یابیم که تأثیر نیروی قدس سپاه پاسداران در تثبیت بعد داخلی انقلاب، کمتر از تأثیر آن در تثبیت جنبه خارجی انقلاب نیست. البته این موضوع نیاز به کنکاش درونی دارد که از مساله این نوشتار خارج است.

مفهوم ولایت در منش و روش شهید سلیمانی

ایشان به موضوع ولایت فقیه از زاویه دیگری هم می نگریند و بدین صورت آن را اظهار می کردند که ما تحت ولایت یک حکیم تمام عیار هستیم. حکیم غیر از عالم است. عالم یعنی کسی آگاه و دانا به امور و مسایل پیرامونی است. ولی حکیم به این معنا که شخص در دانایی و اشراف آگاهی خود نسبت به مسایل و پدیده ها در حد کمال است و حق دانایی را نسبت به حوزه های مربوطه به نحوی شایسته و به گونه ای که هیچ خلا دانایی نسبت به آن موضوع وجود ندارد، ادا می نماید. بر همین اساس در حکمت یکه سواری علمی مطرح است. تصور شهید سلیمانی از رهبری انقلاب و ولی فقیه بر این مبنا بود. ایشان می گفت من با تجربیاتی که در طول سال هایی که با ایشان مراوده داشتم و دستوراتشان را شفاهی یا کتبی دریافت کردم، یک مورد وجود ندارد که بر اساس نظر رهبری عمل کرده باشیم و پس از اجرای دستورات، حسرت عمل بر گونه ای دیگر یا وجهی غیر از آن برای حصول نتیجه دیگر

را داشته باشیم.

جایگاه مردم

اعتقاد اول ایشان این بود که «مردم ضد انقلاب نیستند و ضدانقلاب نمی‌شوند». محکم و با اعتقاد درونی این حرف را بیان می‌کرد و معتقد بود مردم متدین و انقلابی هستند و این‌گونه نیست که تحت تأثیر فشارها از گردونه انقلاب خارج شوند.

سردار سلیمانی معتقد بود جمعیت بسیار اندکی از افراد با انقلاب همراه نیستند و بقیه افراد در حوزه انقلاب اسلامی قرار دارند. احتمالاً این جمله معروف سردار را شنیده باشید که گفته بود: «دخترهای بی حجاب، دخترهای خودمان هستند، باید با این‌ها گرم بگیریم و حساب آنها از دخترهای فاسد ضدانقلاب جدا بدانیم.»

شهید در جلسات داخلی یک جمله هم به این اضافه می‌کرد و می‌گفت «انحراف ظاهر اینها تقصیر ماست. ما درست کار نمی‌کنیم، ما در مردم نیستیم. ما زندگی مردم را نداریم، خب طبیعی است که این‌طوری بشوند» شهید اینجا هم همان نگاه کمالی را داشت و مردم را کاملاً در عرصه انقلاب و اسلام تلقی می‌کرد و تفسیرش از مردم روشن و زلال بود. پس اصل اول اعتقادی او نسبت به مردم این بود که مردم همگی همراه با کاروان انقلاب هستند. شهید به تمام معنا همه طیف‌های مردم را مورد توجه قرار می‌داد و در عرصه سیاسی هم اهل دسته‌بندی‌های سیاسی نبود که البته بعضی افراد از این خصوصیت او سوءاستفاده می‌کردند.

حکمت و درایت

میان حکمت و علم تفاوت عمده‌ای وجود دارد. علم دانایی است و حکمت به کارگیری دانایی در محل مناسب خود، راغب اصفهانی در «مفردات» خود، حکمت را «رسیدن به حق و واقع به واسطه علم و عقل» دانسته است. بررسی رفتار سردار سلیمانی در طول دوره حیات سیاسی‌اش به ما می‌گوید او در عین آنکه از علوم مختلف انسانی بهره‌افری داشت و این عمدتاً به اهل مطالعه بودن و دقت او در متون علمی بازمی‌گشت، عقل بزرگی داشت و می‌توانست به خوبی درست و نادرست بودن آنچه در متون علمی یا به ظاهر علمی آمده است را دریابد. او در همان حال با عقل خود می‌توانست به معانی عمیق‌تر از متن دست پیدا کند و آنها را به خوبی به زبان بیاورد. سلیمانی درکی نیز از آنچه می‌آموخت داشت و این درکی فراتر از متن بود. در مباحث علمی، یک اشکال عمده برای طالبان آن وجود دارد و آن

غرق شدن در رودخانه جاری است که از قدیم راه افتاده و در طول زمان هر دانشمندی واوی بر آن افزوده و به مرور تبدیل به اصلی مسلم گردیده است. در این میان معدودی افراد وجود دارند که می‌توانند بر موج سوار شده و از غرق شدن در آن بدور باشند. «مشهورات زمانه» ریسمانی نیست که هر کسی یارای گسستن آن را داشته باشد. نکته دیگر این است که فرد وقتی با یک «علم» و «آگاهی» مواجه می‌شود باید زمان، مکان و موقعیت به‌کارگیری آن را نیز دریابد و به قول معروف جای به‌کارگیری سخن را بداند چه اگر غیر از این باشد، «سخن خوب» در جای نامناسب ضایع می‌گردد.

برخورد شهید والا مقام با پدیده‌ها ترکیبی از علم و درایت بود. ترکیب قاطعیت و محبت در حل و فصل پدیده‌های ناخوشایند به «حکمت عملی» منجر می‌شود و هزینه‌ها را کاهش می‌دهد. در ماجرای انتزاع کردستان از عراق که یک توطئه بزرگ علیه منطقه بود و می‌توانست به درگیری‌های متعددی در غرب آسیا منجر شود، سردار سلیمانی با علم به این مسئله وارد عمل شد. ابتدا با زبان ملاحظت و استفاده از روابط صمیمانه از رهبران کرد عراق خواست همه‌پرسی را کنار بگذارند و حقوق خود را از طریق مذاکره با دولت مرکزی عراق دنبال کنند و به آنان گفت من همه توانم را برای وادار کردن دوستان عراقی به انجام تعهدات خود به کار می‌گیرم ولی رهبران کرد با محوریت «مسعود بارزانی» به گمان اینکه به فرصتی تاریخی دست پیدا کرده‌اند از این درخواست برادرانه حاج قاسم استقبال نکرده و بر انجام همه‌پرسی تأکید نمودند.

او در آخرین دیداری که با بارزانی داشت به او یادآور شد که این موضوع جوی خون به راه می‌اندازد و این بار دیگر برای دفع خطر از ما کاری بر نمی‌آید» که بارزانی در پاسخ گفته بود «جامعه بین‌الملل در کنار ماست». بعد از برگزاری همه‌پرسی، نیروهای عراق کرکوک را که با توافقات ضمنی و به مرور تحت کنترل کرده‌ها درآمده بود، از کنترل حکومت اقلیم خارج کردند و این سبب شکاف در میان احزاب کردی در اربیل و سلیمانیه گردید و در نهایت نتایج همه‌پرسی به تعلیق درآمد و حزب دموکرات کردستان از سوی خود کرده‌ها متهم به عدم درایت و عدم آینده‌نگری و عامل ریخته شدن خون کرده‌ها گردید. شدت فشارهای مردمی به بارزانی و حزب دموکرات سبب شد که او بار دیگر دست به دامان ایران گردد. سردار سلیمانی علیرغم آنکه در این موضوع خاطرات تلخی از بی‌مروتی رهبران کرد پیدا کرده بود، آنان را پذیرفت و برای بازیابی وضعیت‌شان به آنان کمک زیادی کرد.

در این ماجرا از به نتیجه رسیدن یک فتنه منطقه‌ای جلوگیری شد، حل مسئله در زمان کوتاهی به نتیجه رسید، هزینه‌های عملیات خنثی‌سازی بسیار کم بود و روابط ایران و اربیل هم ترمیم شد. این در حالی بود که در ایران مسئولان ارشد دیپلماسی کشور در جلسات رسمی تأکید می‌کردند که مخالفت ایران با تجزیه کردستان عراق به جایی نمی‌رسد و ایران را درگیر یک چالش پرهزینه و دنباله‌دار می‌کند. در این صحنه، سردار شهید سلیمانی با ترکیب قاطعیت و محبت توانست کار بسیار بزرگی بکند که دیپلمات‌های ورزیده، آن را «غیرممکن» می‌دانستند.

شور و درایت

شور و مشورت و گرفتن نظرات دیگران یکی از اشتغالات و دغدغه‌های مهم سردار سلیمانی بود و دایره وسیعی را تشکیل می‌داد و شامل برگزاری منظم کمیسیون‌های تخصصی، جلسات فراوان تک و چند نفره، گرفتن نظرات افراد در میدان به صورت‌های حضوری، تلفنی و مکاتبه‌ای و مطالعه روز نظرات شخصیت‌های موافق و مخالف داخلی و خارجی بود این موضوع اشراف و چیرگی فراوانی به او داده بود و لذا در جلسات کاری و با دست پر وارد بحث می‌شد و به اداره جلسات می‌پرداخت. این خصوصیت در میدان عمل به او کمک زیادی می‌کرد و وامی‌داشت تا فقط به کلیات و «نقطه نهایی هدف» نگاه نکند و امکانات و تمهیدات لازم را برای تحقق هدف نهایی فراهم نماید. خود او در جلسه‌ای می‌گفت هدف‌گذاری کلی کفایت نمی‌کند ما باید هدف کلی را با تحقق اهداف جزئی محقق کنیم و معتقد بود فرماندهی که هدف نهایی را می‌بیند اما از موقعیت‌ها و موانع واقع شده در حد فاصل مبدأ و مقصد خبر ندارد و برای عبور از آنها برنامه ندارد، هم هزینه‌ها را بالا می‌برد و هم تحقق هدف نهایی را به خطر می‌اندازد.

شور و مشورت او در خدمت اشراف او به جزئیات بود او در عین حال در جزئیات مسئله غرق نمی‌شد و اندازه هر جزئی را با جزئی دیگر برابر نمی‌دانست و به تقسیم بندی آنان به جزئیات مهم و جزئیات غیرمهم دست می‌زد و از میان جزئیات مهم، یک، دو و یا حداکثر سه موضوع را برمی‌داشت و همه توان و نیروی خود را برای رفع یا تحقق آنها به کار می‌گرفت و به این وسیله به تحقق هدف نهایی نایل می‌آمد. این روش او هم هزینه‌ها را کاهش می‌داد و هم تحقق هدف را با نیروها و امکانات کم میسر می‌کرد و هم در نهایت زمان تحقق هدف نهایی را کاهش می‌داد. این همه نتیجه ترکیب شو و درایت او بود.

اعتقاد راسخ به حکمت رهبری

کلیدواژه سردار سلیمانی در مواجهه با تدابیر، آراء و نظرات رهبر معظم انقلاب اسلامی، «حکیم بودن رهبری» بود. او بارها گفت من نه فقط از روی ایمان و علاقه و مسایل اعتقادی بلکه از روی تجربه هم می‌گویم و قسم می‌خورم که تمام تدابیر و نظرات امام خامنه‌ای - دامت برکاته - حکیمانه است و پیروزی‌های ما همیشه به دلیل به کار بستن نظرات ایشان بوده است.

او نقل می‌کرد که در جلسه‌ای که با یکی از نخست‌وزیران مقتدر - سابق - منطقه داشته در برابر طعنه او که گفته بود تو در تاکتیک عالی هستی ولی استراتژی نمی‌دانی، گفته بود:

«بزرگ استراتژیستین ما رهبری است که بالای سر ما قرار دارد اما شما

در تاکتیک شکست می‌خورید چون درک درستی از میدان ندارید و در

استراتژی دائما رنگ عوض می‌کنید چون چنین رهبری بالای سر شما

نیست.»

سردار سلیمانی امام و رهبری را با هیچ کس و هیچ اصل دیگری مقایسه نمی‌کرد و درباره آن بسیار تعصب داشت. مرز دوستی او با افراد و جریان‌ها، رهبری بود. او در عین حال شبانه‌روز در تلاش بود تا طیف‌های مختلف از مردم و نخبگان را به رهبر معظم انقلاب نزدیک‌تر کند و از این رو فراجناب بود اما هیچ‌گاه فرارهبری را برنمی‌تافت.

اراده پولادین

آنجا که پای تکلیف الهی در میان بود، واژه «نمی‌توان» و «نمی‌شود» در قاموس سردار سلیمانی جایی نداشت. سه نوع مواجهه با تکلیف وجود دارد:

۱. تکلیفی که شده را مالایطاق بدانیم و لذا با شک در اینکه مکلفیم با تکلیف مواجه شویم.
۲. در تکلیف شک نمی‌کنیم، در توانایی خود و در کمک خداوند شک می‌کنیم و در عین حال وارد می‌شویم ولی به بودن انجام تکلیف نمی‌اندیشیم و لذا بار به مقصد نمی‌رسد و یا نصف و نیمه می‌رسد.
۳. برای انجام کامل و بدون درنگ و با نثار جان به میدان می‌آئیم و به پیروزی قطعی که وعده خداوند است دست پیدا می‌کنیم و با درک پیچیدگی‌ها، خداوند را تنها عامل پیروزی می‌دانیم و با هر پیروزی، اراده‌مان برای انجام تکلیف بعدی راسخ‌تر می‌شود و در نهایت در همه صحنه‌ها فتح‌الفتوح اتفاق می‌افتد.

سردار سلیمانی وقتی وارد میدان می‌شد با هدف تحقق فتح‌الفتوح برای اسلام وارد می‌شد و لذا در طول حیات سیاسی معنوی خود، همواره با پرچم فتح از میدان بازگشت.

معنویت، مجاهدت و شهادت‌طلبی

معنویت مهم‌ترین رکن زندگی و سلوک سردار سلیمانی بود. توصیه او به یک جوان فامیل که دو چیز را فراموش نکند: نماز شب و احترام بسیار به پدر و مادر، وضع روحی این شهید را نشان می‌دهد. او به نماز و به خصوص نماز شب توجه خاصی داشت نمازهایش نوعاً با اشک همراه بود و غیر از نماز هم او بسیار اهل بکاء بود. با شنیدن خبر هر شهیدی منقلب می‌شد و در خود می‌شکست. دائم‌الذکر بود. شهید سلیمانی بسیار اهل مطالعه بود و این عادت روزانه او در سفر و حضر بود. کتاب‌های مختلف اعتقادی، معنوی، اجتماعی و سیاسی را مطالعه می‌کرد و حتی از کتاب‌ها خلاصه برمی‌داشت و آخرین کتابی که او آن را خلاصه کرده بود کتاب «انسان کامل» شهید مطهری بود.

از منظر شهید، مجاهدت در راه خدا در ابعاد شخصی و اجتماعی کلید رستگاری فرد و جامعه است. او بارها گفت هشت سال دفاع مقدس برجسته‌ترین دوره اسلام است. او جبهه را یک مکتب انسان‌سازی می‌دانست و معتقد بود در انسان‌سازی هیچ چیز بر جبهه و حضور در میدان جهاد در راه خدا برابری نمی‌کند. شهادت گمشده شهید بود و هیچ چیز دیگری او را قانع نمی‌کرد و به چیز دیگری رضایت نمی‌داد.

سازماندهی و نظم

او در طول دوران پرماجرایی مدیریت خود، سازمان‌های زیادی را ایجاد کرد و از این طریق ظرفیت زیادی پدید آورد. سازمان‌هایی که او پدید آورد از دو خصوصیت مهم پیروی می‌کردند: یکی چابکی و استفاده از حداقل نیروی انسانی، دیگری کارا بودن و کمک بودن در میدان عمل. به عنوان مثال وقتی او پا به میدان سوریه گذاشت، این کشور را انواعی از کشورهای متخاصم و گروه‌های تروریستی که سوریه را مورد تهاجم قرار می‌دادند فراگرفته بود. مرزهای شمالی، شرقی، غربی و جنوبی سوریه کاملاً ناامن و محل ترانزیت تروریسم بود و هیچ شهری از شهرهای سوریه امنیت لازم را نداشت. در یک ارزیابی اولیه و رایج، برای دفع این تهدیدات پرحجم، نیروهای زیادی شامل ۲۰ تا ۳۰ لشکر عملیاتی و انواعی از یگان‌های هوایی نیاز بود و بودجه سنگینی برای دفع این فتنه جهانی علیه مردم و دولت

سوریه طلب می‌کرد. اما این کار امکان‌پذیر نبود چرا که نه چنین نیروی آماده به کاری در زمین با مختصات سوریه در این کشور و نه در ایران وجود نداشت و از آنچنان بودجه‌ای هم خبری نبود وضع مالی ایران و سوریه در این سال‌ها نیازی به توضیح ندارد. ایشان با نظم و سازماندهی توانست جبهه مقاومت و مستحکمی در این زمینه یا در عراق و سایر مناطق دیگر ایجاد نماید.

خدمت‌گزاری مردم در مکتب شهید سلیمانی

نکته سوم از اعتقادات شهید در بخش مردم این بود که «این مردم زودتر از ما به بهشت می‌روند و زودتر از ما به جایی می‌رسند و زودتر از ما مورد عنایت خداوند قرار می‌گیرند.» نسبت به متن مردم این‌گونه فکر می‌کرد. اصلاً نگاهی معنوی به مردم داشت؛ چگونه؟ در حدیث ۵۸۰ اصول کافیه (جلد دوم) پیامبر فرمود: «الخلق عيال الله فأحب الخلق إلى الله من نفع عيال الله وأدخل على أهل بيت سرورا» یا خداوند می‌فرماید: «من ذا الذی یقرض الله قرضا حسنا فیضاعفه له اضعافاً کثیره» (بقره/۲۴۵) منظور از به خدا قرض بدهید چه کسی است؟ در این جا منظور خود خدا که نیست، بلکه مردم است. در واقع خداوند متعال می‌خواهد بگوید مردم به من نزدیک هستند. طبق همین آیه و حدیث که مثال آوردیم ایشان به مردم نگاه معنوی داشت. براین اساس ایشان اعتقاد داشت این مردم از ما به خدا نزدیک‌تر هستند. خدمت به این مردم نه اینکه افتخار است بلکه خدمت به خود است. اگر شما می‌خواهید به جایی برسید راهش همین مسیر است که شما خدمت‌گزار مردم باشید. سردار سلیمانی تقرب به خدا را از مسیر انسان و انسانیت می‌دید. فلذا ایشان هم در بعد اعتقادی تقرب انسانی داشت و هم در بعد عملی تقرب به انسان‌ها داشت. در نگاه ایشان تقرب به خدا از طریق تقرب به انسان حاصل می‌شود.

یعنی همجواری با انسانی که مخلوق خداست. همان‌طور که حضرت علی علیه‌السلام زمانی که می‌خواست مالک را به مصر بفرستد به او فرمود این مردم «اما اخ لک فی الدین و اما نظیر لک فی الخق» که یا برادر تو هستند یا مثل تو مخلوق خداوند هستند. مخلوق خداوند هستند یعنی حریم دارند. یعنی این یک نگاه فرادینی است به اینکه اینها مخلوق خداوندند و نمی‌توانید نگاه کنید که دینش چیست. البته برای ما دین فرد خیلی مهم است اما این نباید ما را از خدمت به مردمی که از نظر ما در صراط مستقیم نیستند منع کند. خب فرد چقدر باید انسان‌گرا باشد تا به اینجا برسد و چقدر باید در اینجا افرادی که ادعای

انسان‌گرایی دارند، جلوی شهید زانو بزنند تا بفهمند مفهوم انسان و انسان‌گرایی چیست؟ عملیات بوکمال بیش از دو ماه به درازا کشید و عملیات سختی بود. ایشان با مجاهدت‌های خود این منطقه را آزاد کرد. و در حین آن از یک خانه مخروبه‌ای استفاده می‌کرد که دیگر معنای خانه هم نداشت چرا که این تروریست‌ها خانه‌ها را سوراخ کرده و به هم وصل نموده بودند و از یک خانه می‌شد وارد شصت یا هفتاد خانه شد بدون آنکه از محیط خانه خارج شده باشی! حالا خانه خرابه است پنجره‌ای در آن نیست و همه جای آن آسیب دیده و مورد انفجار و تیراندازی قرار گرفته است فرشی نیست و یک اسکلت مخروبه است. ایشان در این خانه عملیات بوکمال را فرماندهی می‌کرد وقتی فرماندهی‌اش تمام می‌شود، یک نامه‌ای برای صاحب‌خانه می‌نویسد که بنده در اینجا ناگزیر شدم از خانه شما استفاده کنم و لذا خواهش می‌کنم بنده را حلال کنید. بعد این را در قرآن می‌گذارد و قرآن را می‌گذارد در طاقچه و بعد می‌گوید حالا بروید و صاحب‌خانه را پیدا کنید. می‌گویند این اطراف نیست و خیلی وقت است که رفته است اما ایشان می‌گوید باید حتما او را پیدا کنید. و وادار می‌کند که او را پیدا کنند و بعد از بررسی زیاد می‌گویند این در یکی از روستاهای ترکیه زندگی می‌کند و به آنجا فرار کرده و ضمناً خودش هم مخالف بشاراسد هست. تلفن صاحب‌خانه را پیدا می‌کند و به او زنگ می‌زند که من قاسم سلیمانی هستم چند وقتی در منزل شما بودم و اینجا نماز خواندم و می‌خواهم حلال‌ام کنی که نمازهای من قبول باشد. شنیدم آن فرد گفته بود اصلاً بنده دیگر خانه‌ای ندارم. ما که همه فرار کردیم آمدیم و اصلاً معلوم نیست دیگر برگردیم. خیلی تحت تأثیر قرار می‌گیرد که شهید خودش به او زنگ زده است.

یک موقعی است که به دفترتان می‌گویید زنگ بزند حلالیت بطلبید یا به کنسول ایران می‌گویید، پیدایش کند و با ایشان صحبت نماید یک موقع فردی در حد قاسم سلیمانی با یک آدم این‌چنینی در یک روستایی در ترکیه صحبت می‌کند و خیلی خاضعانه می‌گوید بنده قاسم سلیمانی هستم و در منزل شما نماز خواندم و می‌خواهم شما راضی باشید تا نماز من مشکل نداشته باشد.

برخی می‌پرسند چرا ایران در سوریه نفوذ دارد؟ خب این کار در فضای سوریه چقدر باید پیچد همین یک خاطره که خیلی از این موارد هست، برای محبوبیت کافی است. ببینید این برمی‌گردد به آن مطلب که مردم مخلوق و مورد توجه خدا هستند و این خیلی به مطلب عمق می‌دهد و خیلی آن را وجودی می‌کند و از حالت ریاکاری خارج می‌نماید. برخی



ریاکاری می‌کنند مثلاً دوربین می‌فرستند چقدر کار می‌کنند که یک تصویری از ایشان در یک جا پخش شود که نشان دهد ما مرید و دستبوس و ارادتمند مردم هستیم. این صحنه‌ها خیلی فرق می‌کند با صحنه‌ای که شهید یک ماه دو ماه زیر فشار تهدیدات بوده و می‌گوید صاحبخانه را پیدا کنید می‌خواهم با او صحبت کنم.

خدمت‌گزاری شهید سلیمانی دارای ابعاد مختلفی است. این خدمت‌گزاری شامل مردم، ماهیت نظام و انقلاب، ساختارها و نهادهای کشوری و لشکری، و در مقیاس وسعت در گستره خدمت به مستضعفین جهانی در حوزه‌های فراملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است.



ابعاد خدمت‌گزاری شهید سلیمانی

نقش مردم در رسیدن به حق

مطلب آخری در بحث مردم. ایشان واقعا خودش را محتاج نظر مردم می‌دانست. این را باید یک مقدار توضیح داد. از همان منظر که مردم عیال الله هستند و خدا از منظر مردم به شما توجه می‌کند. یعنی خدایی که می‌خواهد به تو توجه کند، بین تو و خدا، مخلوقات خدا هستند و این نوع رفتار تو با مخلوقات برای خدا معیاری هستند که نشان می‌دهد تو آدم خوبی هستی یا خیر. این خیلی مسئله مهمی است.

برخی می‌گویند کاری کن تا بدون واسطه به خدا متصل بشوی. ایشان به این مسئله معتقد نبود سردار سلیمانی می‌گفت مخلوق خدا برای خدا ارزشمند است. این مخلوقات باید من را درست بدانند تا من پیش خدا قیمت و ارزشی داشته باشم. شهید از این منظر به مردم نگاه می‌کرد.

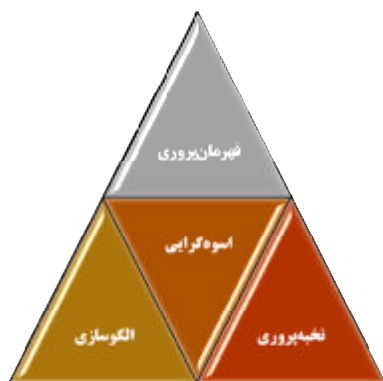
سردار سلیمانی رزمندگانی که حاضر بودند جانشان را برای اسلام فدا کنند، جمع کرد و

از ایشان پرسید «آیا من آدم خوبی هستم.» از ایشان می‌خواست بله بگیرد. قاسم سلیمانی مجاهد فی سبیل الله است ولی اصلا در ذهنش نبود که خودش چیزی است و چیزی دارد. می‌گفت مردم شهادت بدهید تا من بشنوم «آیا آدم خوبی هستم؟» این چقدر اعتقاد راسخ نسبت به مردم می‌خواهد؟ بعد کفنش را ببرد پیش افرادی و بگوید روی آن بنویس که قاسم سلیمانی آدم خوبی است. این هم جلوه دیگری است از آنکه همه چیز را در نقطه کمالی مشاهده و دنبال می‌کرد این جلوه‌ای از آن اعتقاد است.

نخبه‌سازی

ایشان در طبقه نخبگان مرزی قایل نبود که بگوید این چپ است آن راست است. برای او این کلمات معنا و مفهوم نداشت. تنها چیزی که برای ایشان معنا و مفهوم داشت رهبری بود. واقعا قبول رهبری توسط افراد و جناح‌ها و همراهی آنان با رهبری پیش ایشان مسئله مهمی بود در عین حال ایشان با همان بعد ولایت‌افزایی، خیلی‌ها را از منجلا ب سیاسی بیرون می‌کشید و به سمت رهبری می‌برد.

گاهی می‌بینیم فردی در یک طیف دیگری قرار دارد اما سردار با توجه به شناخت یا پیشینه‌ای که از آن فرد داشت او را به مسیر انقلاب سوق می‌داد و اکنون آن فرد در مسیر فعالیت‌های انقلابی است.



ایشان به دوستانش که اداره یک پژوهشکده مطالعات راهبردی را در دست داشتند می‌گفت فلانی و فلانی را هم به پژوهشکده دعوت کنید و نظر کارشناسی آنان را بگیرید. شهید با اینها ارتباط داشت و به آنان تلفن می‌زد، سراغشان می‌گرفت و گاهی آنان را می‌دید و روی آنها تأثیر می‌گذاشت.

این‌گونه نبود که آنها بتوانند بر روی شهید آنچنان تأثیر بگذارند. آن پوسته ورودی اعتقادی شهید خیلی سخت بود و کسی نمی‌توانست این پوسته را بشکند. ایشان با آنان تماس می‌گرفت، صحبت می‌کرد و مدیریت و هدایت می‌نمود حالا بعضی وقت‌ها هم موفق نبود و مواردی هم بود که اثر نداشت.

رسانه طراز مکتب سلیمانی باید در نظر و عمل باید اسوه‌گرا باشد. کلمه «اسوه» در لغت

به معنای سرمشق، پیشوا در مهمات، خصلتی که شخص بدان لایق مقتدایی شود، آنچه بدان شخص اندوهگین تسلی یابد، حالت و روشی که شایسته پیروی است و حالت پیروی انسان از دیگران آمده است خواه پیروی، نیک و سودمند یا بد و زیانبار باشد در فرهنگ اسلامی، اسوه به معنای پیروی نیک و سودمند است.^۱

کاربرد اسوه در قرآن با وصف «حسنة» و در برخی از روایات بدون وصف حسنة در پیروی از الگوهای شایسته، مانند پیامبر اکرم (ص) می‌تواند گواه بر این معنا باشد. چنانچه در روایتی از امام حسین (ع) نقل شده: «لی و لکل مسلم برسول الله اسوه». واژه اسوه در قرآن کریم سه بار آمده است: یک بار در آیه ۲۱ سوره احزاب در مورد پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - و دو بار در آیات ۴ و ۶ ممتحنه درباره ابراهیم خلیل - علیه السلام - و همراهان او.

برخی واژه‌های متقارب و مرتبط با اسوه در قرآن کریم عبارت است از: «اقتدا»، «امام»، «شهید»، «مثل».

از میان ده‌ها نسخه انسانی و برگزیده شایسته الگوگیری که نام برخی در قرآن و روایات آمده است قرآن کریم دو تن از آنان را به گونه شفاف و صریح، اسوه و الگوهای برتر معرفی کرده است.

۱. پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - سخن از یهانه: «لولاك لما خلقت الافلاك» و نزدیک ترین فرد به ذات اقدس الهی و حائز مقام دنا فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی که خداوند و فرشتگانش بر او درود می‌فرستند و وجودش رحمتی سترگ برای جهانیان اعلام شده و منت و نعمتی بزرگ بر اهل ایمان می‌باشد آسان نیست.

۲. حضرت ابراهیم - علیه السلام - راز معرفی ابراهیم - علیه السلام - به عنوان الگویی در آیات ۴ و ۶ ممتحنه «قد کانت لکم اسوه حسنه فی ابراهیم الذین معه... لقد کان لکم فیهم اسوة حسنة» با نگاهی به برجستگی معانی زندگی الهی او روشن می‌شود. نشان دادن ملکوت آسمان‌ها به وی، عدم پرستش بت‌ها و اجرام آسمانی، بت‌شکنی و احتجاج با بت‌پرستان و تسلیم کامل او در برابر فرمان‌های الهی از نشانه‌های روشن زندگی توحیدی آن حضرت به شمار می‌آید.

اسوه‌گرایی در منش رسانه طراز باید بر محور توحید و بر اساس آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» مفهومش این است که برای شما در پیامبر (ص) تأسی و پیروی خوبی است، می‌توانید با اقتدا کردن به او خطوط خود را اصلاح و در مسیر «صراط مستقیم» قرار گیرید. قرآن کریم در آیه فوق این اسوه حسنه را مخصوص کسانی می‌داند که دارای سه ویژگی هستند، امید به «الله» و امید به روز قیامت دارند، و خدا را بسیار یاد می‌کنند.^۱

با توجه به منش عقیدتی و رفتاری شهید سلیمانی و با دارا بودن سه ویژگی فوق در آیه «اسوه حسنه» رسانه طراز مکتب آن شهید باید بر سه ویژگی مذکور حرکت نماید. شهید سلیمانی در حوزه مدیریتی خود سه خصوصیت نخبه پروری، الگو سازی و قهرمان پروری را با درایت و اخلاص دنبال می‌نمود. بنابراین رسانه طراز مکتب او باید در عمل و در ارایه آموزه‌ها، اخبار و پوشش اخبار و رویدادها با اتکا به این سه ویژگی درصدد کارکردهایی همچون خلق انسان الگو، قهرمان و نخبه برآید.

نگاه به مردم در رسانه طراز مکتب سلیمانی

انسان‌شناسی رسانه طراز مکتب سلیمانی بر اساس مکتب اسلام و امام (ره) است که با توجه به اینکه «ریشه و اصل همه عقاید، اصل توحید است، مطابق این اصل، خالق و آفریننده جهان و همه عوالم هستی و انسان تنها ذات مقدس خدای تعالی است که از همه حقایق مطلع است و قادر بر همه چیز است و مالک همه چیز. این اصل به ما می‌آموزد که انسان تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند مگر اینکه اطاعت او، اطاعت خدا باشد و بنابراین هیچ انسانی هم حق ندارد انسان‌های دیگر را به تسلیم در برابر خود مجبور کند و ما از این اصل اعتقادی، اصل آزادی بشر را می‌آموزیم که هیچ فردی حق ندارد انسانی و یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند».^۲

بنابراین در رسانه طراز مکتب شهید سلیمانی نگاه به مردم، با رویکردی توحید محورانه و در راستای خدمت به او برای تسلیم خدا شدن است و نه مانند بسیاری از رسانه‌های بین‌المللی و گول‌ها خبری کشورهای به اصطلاح مرکز است که جریان خبری آنها بر اغوای مخاطبان و فریب آنها در جهت دستیابی به مطامع رسانه‌ای خود می‌باشد. به تعبیر مقام معظم

۱. ناصر مکارم شیرازی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر ایشان:

<https://makarem.ir/main.aspx?lid=۰&mid=243473&typeinfo=25&catid=2286>

۲. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۵، ص ۳۸۷.

رهبری «امروز جاده رسانه‌ای و ارتباطات، یک جاده دوجانبه و چندجانبه نیست؛ یک جاده یک‌طرفه است؛ یعنی باید گفت آنچه را که صاحبان قدرت رسانه‌ای و امپراتوری رسانه‌ای می‌پسندند، با استفاده از علم و فناوری پیشرفته، به زوایای دنیا منتشر و منعکس می‌کنند»^۱. این منش رسانه‌ای رسانه‌های جریان سلطه است. در چنین مواردی باید رسانه طراز مکتب سلیمانی به تعبیر مقام معظم رهبری، سوء ظن به جریان رسانه‌ای دشمن را به عنوان یک اصل اساسی برای خنثی سازی و مهندسی معکوس شگردهای آنان مورد ملاحظه قرار داد. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «سوء ظن به جریان رسانه‌ای دشمن؛ یکی از چیزهایی که خیلی لازم است، سوء ظن به جریان رسانه‌ای دشمن است. امروز یکی از بخش‌های پرخرج دشمنان ما عبارت است از بخش رسانه؛ خیلی پرخرج است برایشان؛ یعنی هزینه می‌کنند، پول می‌گذارند، آدم‌های متخصص می‌آورند؛ خیلی خرج دارد برایشان؛ علیه چه کسی؟ علیه جمهوری اسلامی. خب، اصلاً همت این جریان رسانه‌ای این است که بر روی یک نقاطی تکیه کند که جمهوری اسلامی را می‌تواند زمین‌گیر کند؛ مثلاً ایجاد یأس، ایجاد نقاط منفی، نقاط منفی را درشت کردن، نقاط مثبت را بکلی حذف کردن»^۲.

سطوح گفت‌و‌مان رسانه‌ای مکتب سلیمانی

سطح مرکزی؛ سطح مرکزی و ساخت درونی قدرت

سطح مرکزی و ساخت درونی قدرت و استحکام مبانی نظام اسلامی با اتکا به رویکرد ایدئولوژیک. رسانه طراز مکتب سلیمانی در این سطح از گفت‌و‌مان اساساً با برساخت فرهنگ و توجه و تأکید بر عناصر محوری این حوزه یعنی دین، حوزه‌های عقیدتی، مذهب و چارچوب‌های ارزشی و هنجاری حاکم بر کلیت ساختار ایدئولوژیک تمرکز می‌نماید. گفت‌و‌مان رسانه طراز در این سطح به دنبال گسترش و انتشار پیام نظام‌سازی برای تحقق آرمانها است. در این میان رسانه با نظارت و کنترل کنشگران فعال در عرصه فرایند نظام‌سازی تلاش می‌نماید مقدمات این آرمان‌ها را در سطح خرد پیگیری نماید و با دنبال کردن سیاست‌های فرایند نظام‌سازی و جامعه‌پردازی حرکت بر اساس آنها را دراستای توسعه این مسیر تعقیب می‌کند.

در این میان فرایند نظام‌سازی و جامعه‌پردازی عمدتاً سه محور اصلی به هم پیوسته و در ارتباط با هم دارد که شامل «تولید نرم افزار و سوخت نظری برای حرکت»، «نهادسازی» و

۱. بیانات مقام معظم رهبری، در سایت: Khamenei.ir.
۲. همان.

کادرسازی است که به موازات یکدیگر باید مورد توجه باشد و لازمه آن تحول و پیشرفت در علوم انسانی و فرهنگ و سپس مدیریت و سیاست است.^۱ شهید سلیمانی در سیره عملی و رفتاری و در تصمیم سازی‌های استراتژیک خود با توجه به این فرایند نظام سازی چه در عرصه نبرد و چه در عرصه سیاست، فرهنگ و مدیریت جهادی اقدام می‌نمود. رسانه طراز مکتب سلیمانی نسبت به ایجاد این پیوستگی میان محورهای اسلامی در محتواسازی‌های منسجم و ساختارهای مطلوب برای هماهنگی و حرکت حساسیت دارد و باید بتواند با تکیه بر مواضع الهی و توحیدی در راستای تشکیل هر چه بهتر و مأموریت‌های لازم گام بردارد.

هدف امام خمینی (ره) در تمام نگرش‌ها و بینش‌هایی که ارائه می‌فرمایند، پیاده شدن اسلام به گونه‌ای نظام مند و مبتنی بر اندیشه دولت سازانه است که اسلام بدون تأسیس دولت، هرگز کامیاب نخواهد شد. طبیعتاً نقش رسانه‌ها در شکل‌گیری این سطح از گفتمان بسیار مؤثر و راهبردی است.

«ما موظفیم ابهامی را که نسبت به اسلام به وجود آوردند، برطرف سازیم، تا این ابهام را از اذهان نزداییم، هیچ کاری نمی‌توانیم انجام بدهیم، اما باید خود و نسل آینده را وادار کنیم و به آن‌ها سفارش کنیم که نسل آتیه خویش را نیز مأمور کنند، این ابهامی را که بر اثر تبلیغات سوء چند صد ساله نسبت به اسلام در اذهان حتی بسیاری از تحصیل‌کرده‌های ما پیدا شده، رفع کنند جهان بینی و نظامات اجتماعی اسلام را معرفی کنند، حکومت اسلامی را معرفی نمایند، تا مردم بدانند اسلام چیست و قوانین آن چگونه است.»^۲

رسانه طراز باید در جهت رفع این شبهات و ابهامات مربوط به حوزه اسلام و جهان‌بینی اجتماعی و سیاسی آن تلاش نماید. به ویژه در دورانی که اساس رسانه‌های استعماری و وابسته امپریالیسم سیاسی و رسانه‌ای را دنبال می‌کنند و در لوای آن، اسلام و مظاهر تمدن اسلامی را به گونه‌های متحجرانه و فرومایه بازنمایی می‌کنند.

رسالت رسانه طراز مکتب شهید سلیمانی باید برگرفته و ماخوذ از این رویه جهادی ایشان در میدان نبرد باشد که گروه انحرافی داعش را که با ریشه‌یابی از امپریالیسم سیاسی استعمار و با نام اسلام و حکومت اسلامی درصدد بدنام کردن جهان‌بینی اسلامی و ایدئولوژیک

۱. محمد عینی‌زاده (موحد) و سیدرضا مودب، «نظام‌سازی در نگاه تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله)»، مطالعات قرآن و حدیث، س ۱۱، ش ۱ (پیاپی)، پاییز و زمستان ۱۳۹۶.
۲. امام خمینی، ولایت فقیه، ۱۳۸۷، ص ۱۷۷.

مسلمین بوده، تا گام آخر در مقابل آنها ایستاد و با حضور مستقیم خود در میدان نبرد و با همیاری‌های دیپلماتیک و سیاسی و نظامی با کشورهای منطقه توانست این لکه سیاه را از روی کره خاکی محو نمایند. رسانه‌ها در تبیین و تبلیغ اسلام و با اتکا به محوریت رسالت توحیدی، باید بازنمایی‌های مبتنی بر حقیقت اسلام را در دستور کار خود قرار دهند.

در این سطح، رسالت رسانه، تبیین و تقویت این ساخت درونی قدرت نظام می‌باشد. طبیعتاً رسانه طراز نگاه محوری به هسته اصلی و جوهر وجودی نظام دارد و از طریق انتشار این روح وجودی به شاهرگ‌ها و دریچه‌های خروجی از هسته مرکزی بر آن است تا ساخت درونی قدرت فرهنگی را مستحکم نماید و لایه‌ها و پوسته‌های بیرونی منشعب از این هسته را که شامل ساختارها، نهادها، دستگاهها و مجموعه‌های سیاستگذاری در سطح کلان حکومتی است باید در تعامل با آنها و ایفای نقش همیار و مقوم، بتواند به عنوان مشاور و موثر در کنترل، توانمند سازی و اثربخشی در تزریق جوهر نظام اسلامی به آنها برای ارایه کارکردی بهتر و روان سازی به سطح اجتماع عمل نماید. رسانه در این سطح با دنبال کردن کارکردهای نظام سازی و تقویت پایه‌های مشارکت مردم در حوزه نظام، ایجاد احساس مسئولیت و مطالبه‌گری منطقی و قانونی برای به تحرک واداشتن دستگاه‌های مختلف نظام می‌تواند نقش قابل توجهی را در فرایند نظام‌سازی ایفا نماید.

در نگاه رهبر معظم انقلاب این ساخت درونی نظام را باید مورد توجه قرار دهیم ایشان می‌فرمایند: «اعتقادمان این است که باید به تقویت ساخت درونی نظام اهمیت بدهیم؛ این اساس کار است. از درون، خودمان را باید تقویت کنیم. تقویت درونی با اندیشه کامل، با نگاه عاقلانه و خردمندانه چیزی است ممکن؛ چه به‌وسیله پیشرفت علمی، چه به‌وسیله ساخت و مدیریت درست اقتصادی؛ این‌ها کارهایی است که به نظر ما ممکن است.»^۱ بنابراین رسانه طراز مکتب باید همانند شهید که به انحای مختلف درصد تقویت این ساخت درونی نظام بوده است، و درصد استحکام هر چه بیشتر از طریق کارکردهای رسانه‌ای خود برآیند.

«آمریکایی‌ها با انقلاب اسلامی دشمن‌اند، با جمهوری اسلامی دشمن‌اند، با این پرچمی که شما مردم بلند کردید دشمن‌اند و این دشمنی با این چیزها فرو نخواهد نشست؛ علاج مقابله با این دشمنی هم فقط یک چیز است و آن، تکیه به اقتدار ملی و به توان داخلی

ملی و مستحکم کردن هرچه بیشتر ساخت درونی کشور [است]. هرچه در این زمینه ما کار بکنیم، کم است.»^۱ (همان)

سطح دوم؛ تشکیل پیوستار رسانه‌ای

سطح میانی و قدرت فرا ملی در راستای شکل دادن به گفتمان‌های همسو و ارزش محور در حوزه قدرت‌های رسانه‌های اسلامی است در این سطح رسانه با شناسایی و رصد رسانه‌های همسو و ارزش محور که دارای گفتمان‌های مشابه یا دغدغه‌های رسانه‌ای مطلوب در سطح جامعه بین‌المللی می‌باشند و در درون گفتمان‌های خاص این رسانه‌ها می‌توان جوهره اندیشه انقلاب اسلامی را یافت، تلاش می‌کند تا حد امکان در شکل دادن به یک پیوستار رسانه‌ای گفتمانی مبتنی بر مکتب اسلامی در راستای مبارزه با استکبار، تبیین گفتمان انقلاب اسلامی، دفاع از مظلومان و برساخت ارزشهای متعالی و معنوی مکتب ناب اقدام نماید. رهبر معظم انقلاب در همایش بین‌المللی رسانه‌های جهان اسلام فرمودند: «ما رسانه‌های بزرگ دنیا را در اختیار نداریم؛ اما آنچه را هم که در اختیار داریم؛ چیز کمی نیست. ما باید از سرمایه و موجودی خود - که متعلق به دنیای اسلام است - حداکثر استفاده را بکنیم.»

و در جایی دیگر فرمودند: «اگر ما بتوانیم [در مقابل جنگ رسانه‌ای دشمن]، یک کار رسانه‌ای درست انجام دهیم، می‌توانیم این صحنه‌ی باطل را لااقل تا حدودی به صحنه‌ی حق تبدیل کنیم؛ یعنی در افکار عمومی دنیا کار را طوری پیش ببریم که واقعا قضیه به عکس شود.»^۲ در این میان با کارکردهای مختلف و از طریق آگاه‌سازی، بصیرت‌افزایی و ایجاد احساس مسئولیت در میان افکار عمومی و مخاطبان رسانه‌ای موجود در این کشورها که دغدغه ارزشی و متعالی دارند را به صورت هدفمند دنبال می‌نماید. طبیعتاً برای شکل دادن به چنین پیوستار رسانه‌ای، مکانیسم‌های مبادله اخبار باید توسط رسانه‌های مستقل و به دور از کنترل دولتی یا آژانس‌های تحت نظارت دولت و خارج از کنترل نظام‌های حاکم بر برخی از این رسانه‌ها که در عمل ممکن است چندان مقید به ساز و کارهای استقلال سیاسی و اجتماعی - فرهنگی برای جامعه خود نباشند، قرار گیرد. مجموعه‌ای از فعالیت‌ها را می‌توان برای چنین پیوستار رسانه‌ای که در راستای گفتمان‌های همسو و ارزش محور انقلاب اسلامی هستند، در نظر گرفت. برخی از این فعالیتها باید به محتواسازی، نیروسازی و کنش‌های راهبردی رسانه‌ای منتهی شوند. این

۱. همان.

۲. بیانات رهبری معظم انقلاب در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما، ۱۵ بهمن ۱۳۸۱.

محتواها می‌تواند ناظر به حوزه مبادله اطلاعات و اخبار و گزارش‌ها باشد، همچنین به اطلاع رسانی‌های علمی، فنی، بازرگانی و ... که در قالب برنامه‌های مدون و چشم اندازهای توسعه محوری در در ماموریت خود تعریف می‌کنند، اهمیت شایانی داده شود. همچنین این پیوستار رسانه‌ای همسو می‌تواند به آموزش خبرنگاران، تکثیر جریان اطلاعات، تولید بولتن‌ها، جذب بازیگران رسانه‌های جدید، پوشش میدانی اخبار مربوط به حوزه مقاومت و همسو با اندیشه گفت‌مانی انقلاب اسلامی و .. را پردازد.

سطح سوم؛ سطح لایروبی

گفت‌مان رسانه‌های مکتب سلیمانی سطح لایروبی می‌باشد. در این سطح رسانه‌ها با استعانت از اندیشه‌های محوری موجود در سطح نظام سازی و سطح مرکزی و جهانی غایت مدارانه تلاش می‌کنند که عناصر اختلال آفرین موجود در گسترش اندیشه ناب و محوری انقلاب اسلامی را شناسایی نمایند و ضمن پرداختن به آنها، شبهات و جریان آفرینی‌های ساختار شکنانه موجود در فعالیت‌ها و کنش‌های آنها را خنثی نمایند. بنابراین در این سطح نوعی رصد و مقاومت در برابر پادگفت‌مان‌های متعارض و ناهمسو با ایدئولوژی محوری نظام اسلامی در درون جامعه اسلامی و افکار عمومی صورت می‌پذیرد رسانه طراز باید ضمن توجه دقیق به این پادگفت‌مان‌ها تلاش نماید تا حد امکان مسیر گسترش این کنشگری‌های گمراه ساز را تغییر دهد و با برنامه‌های تبلیغی، تربیتی و ارسالی ارشادی بستر تنویر افکار عمومی را فراهم نماید.

رهبر معظم انقلاب در دیدار مدیران و برنامه‌سازان رسانه‌ای می‌فرمایند: «امروز شما سیاست‌های رسانه‌ای مسلط دنیا را ملاحظه کنید. مصلحت آن‌ها اقتضاء می‌کند که اسلام را با تروریست مساوی بدانند. این کار با سرعت هر چه بیشتر و با استفاده هر چه بیشتر از فناوری‌های پیشرفته انجام می‌گیرد. مصلحت آن‌ها اقتضاء می‌کند که متقابلاً امریکا را مظهر حقوق بشر و دموکراسی به حساب آورند. این کار به راحتی و با شیوه‌های پیچیده و بسیار پیشرفته‌ی رسانه‌ای در دنیا انجام می‌گیرد. دروغ‌های بزرگ مثل حقیقت در امواج رادیویی، تلویزیونی، اینترنتی و غیره منعکس می‌شود.»^۱ ایشان در همایش بین‌المللی رسانه‌های جهان اسلام در حمایت از انتفاضه فلسطین، تمام رسانه‌های جهان اسلام و جهان عرب را مخاطب قرار

می دهند و اجتناب ناپذیر بودن جنگ رسانه‌ای و لزوم مسئولیت‌پذیری آن‌ها را گوشزد می‌کنند: «سیستم رسانه‌ای اسلام و سیستم رسانه‌ای عرب باید طوری رفتار کند که معنایش این نباشد که از معرکه دور است. شما وسط میدانید؛ چه بخواهید و چه نخواهید.»^۱

یا در خصوص چگونگی القانات و جریان سازی‌های رسانه‌ای که بازنمایی حقایق مربوط به مساله فلسطین را وارونه جلوه می‌دهند می‌فرمایند: «امروز در دنیا رسانه‌های صهیونیستی تجاوزهای مکرر و همه‌روزه اسرائیل را به‌صورت گذرا مطرح می‌کنند. اگر می‌توانستند همین را هم مطرح نکنند، نمی‌کردند؛ منتها مصالح رسانه‌ای آن‌ها ایجاب می‌کند که مطرح کنند؛ ولی خیلی گذرا، خیلی سطحی، خیلی ناقص و گزینشی؛ اما عملیات فلسطینی‌ها را که دفاع از وجود و شرف و میهن و سرزمینشان است، طوری منعکس می‌کنند که گویا اسرائیل مظلوم است! مظلوم واقعی را که ملت فلسطین است، تروریست و جنایتکار جلوه می‌دهند؛ اما متجاوز سفاک جنایتکار را مظلوم نشان می‌دهند. امروز رسانه‌های دنیا این کار را می‌کنند.»^۲

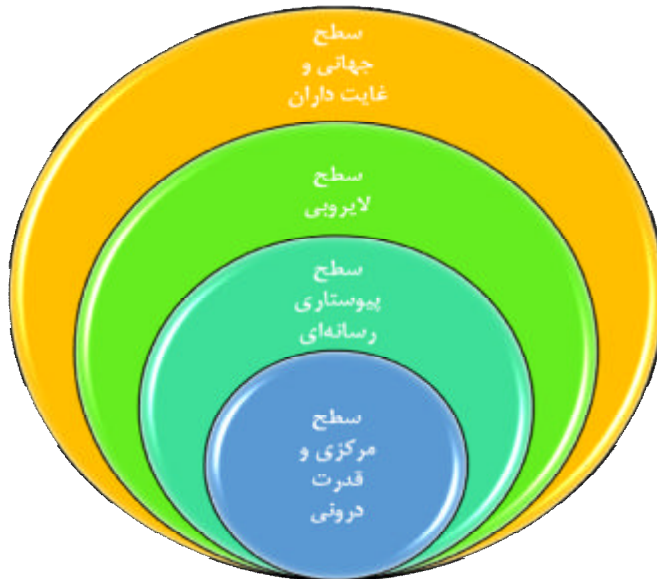
طبیعتاً این عمل در طول زمان و در طی یک فرآیند برنامه‌ریزی شده و دارای چشم انداز دقیق و با نگاه به آینده در سیاست گذاری رسانه‌ای طراز صورت می‌پذیرد. از سوی دیگر رسانه طراز مکتب سلیمانی نباید در مواجهه با جریان غالب رسانه‌ای که ممکن است در برابر رویکردهای پیش روی خود نوعی مقاومت در برابر لایروبی در پیش می‌گیرند، شتابزده و احساسی عمل نماید. اساس کار ژورنالیستی حرفه‌ای و پرداختن در حوزه تولید و تکثیر پیام در رسانه‌ها باید با اتکا به تصمیم‌های مبتنی بر عقلانیت و با توجه به عواقب فعالیت رسانه‌ای و طرح مضامین و مفهوم سازی‌های رسانه‌ای صورت می‌پذیرد. بنابراین رسانه طراز مکتب سلیمانی همواره در انتشار و سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نگاه به آینده، به مؤلفه‌های شکل دهنده در استحکام ساخت درونی نظام و عناصر مقوم و همسو با آن نهایت دقت را داراست و تلاش آن همانند شخصیت شهید سلیمانی همواره در جذب حداکثری و دفع حداقلی است برای مواجهه با جریان‌های نامطلوب یا بازی‌های سیاسی است که در صدد تخریب نگاه رسانه مسئولیت‌پذیر و هنجارمند نسبت به نظام اسلامی و حکومت جهانی می‌باشد.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش بین‌المللی رسانه‌های جهان اسلام در حمایت از انتفاضه فلسطین.

۲. همان.

سطح چهارم؛ سطح جهانی و غایتمدارانه

آرمان سازی و توجه دادن سطوح خرد و کلان نظام از طریق ایفای کارکرد غایت مدارانه و برای شکل دادن به حکومت جهانی. نقش رسانه‌ها در تبیین و تحلیل کنش‌های ظالمانه، فریاد برآوردن در حمایت از مظلومان و دفاع از آنها، استعمارستیزی و تبیین تحرکات و فرایندهای سلطه‌مندی در نظم به اصطلاح نوین جهانی، انتشار آموزه‌های اخلاقی، اسلامی و دینی، تلاش در جهت تقویت بعد روحانی انسان و بیدار نمودن فطرت انسانی در مبارزه با ظلم، فساد، نابرابری و نهایتاً رذایل انسانی و عوامل اختلال‌آفرین در مسیر حکومت جهانی. نقش رسانه در این مکتب همانطور که شهید سلیمانی برای مبارزه و جهاد نابرابر در میادین مختلف در کنار مظلومان قرار می‌گرفت قاعدتاً رسانه مکتب طراز این مکتب نیز باید در این سطح از گفتمان، نگاه جهان‌شناختی به انسان و طریق سعادت او داشته باشد. زبان و نمادها و نمادهای معناگرا در ترسیم روند حکومت جهانی در این سطح از گفتمان رسانه، زبان آزادی خواهی، استکبارستیزی، عدالت جویی، دستگیری و همنوایی با مستضعفان و در مجموع آینده‌گروی با ساخت انسان‌های منتظر برای حکومت جهانی است. در چنین وضعیتی رسانه مکتب سلیمانی رسانه‌ای تحول‌آفرین، پیشرو، دارای چشم‌انداز است و با نگاه به آینده برای اتصال به حکومت جهانی حضرت مهدی (ع) تلاش می‌نماید.



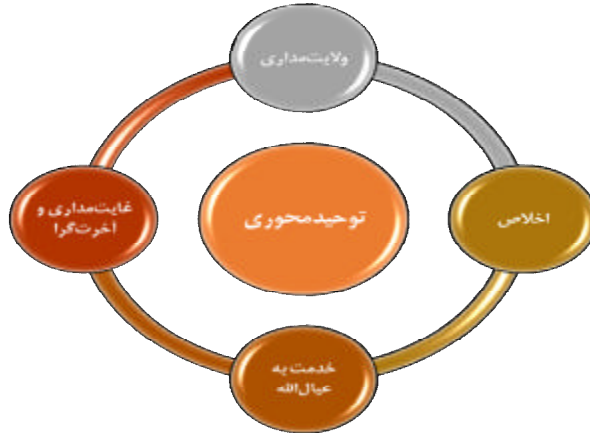
طرح گفتمان رسانه‌ای مکتب سلیمانی

تمام این سطوح‌های گفتمانی به مثابه فعالیت‌ها و کنشگری‌های شخصی شهید سلیمانی که بر اساس گفتمان اسلام و مکتب انقلاب اسلامی شکل گرفته است، دارای حرکتی منظم و سیستماتیک برای حضور موثر از سطح مرکزی و ملی تا منطقه‌ای و جهانی می‌باشد. این سطوح گفتمان، قاعدتا بر اساس مکتب الهی و کاملا در تطابق است و در امتداد و ادامه مسیر مکتب امام (ره) می‌باشد. بنابراین رسانه طراز مکتب سلیمانی باید در پوشش اخبار رسانه‌ای، گزارش‌ها، رویدادها، حوادث، تحلیل‌ها و تبیین‌های خود از خردترین سطح یعنی سطح مرکزی و ملی تا کلان‌ترین سطح یعنی سطح جهانی که مبتنی بر حکومت جهانی عدل و داد می‌باشد، اقتضانات، الزامات، هنجارها و مسئولیت‌های منطبق بر این اصول و گزاره‌ها را مورد توجه قرار دهد. طبیعی است چنین چشم انداز هنجارمند و مسئولیت مدار، در راستای تکلیف و وظیفه تعریف می‌شود و رسانه‌ای که با رویکردهای کلیشه‌ای، هنجارهای اداری و تشریفاتی و بوروکراسی بخواهد در این سطوح گفتمانی مشارکت نماید، امکان ابتلای به خطای استراتژیک رسانه در پرتو الزامات تکلیف مدارانه برای آن متصور خواهد بود. به عبارت دیگر، کنش رسانه‌ای آن در صورت نداشتن توازن با رسانه طراز مکتب سلیمانی، در کوتاه مدت از مسیر رسانه‌ای تکلیف مدارانه خارج می‌شود و در آشوب رسانه‌ای ضد جریان‌های رسانه‌ای در اخبار و اطلاعات غرق می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با در نظر گرفتن مهمترین ویژگیهای شخصیتی شهید سلیمانی می‌توان دال‌های مرکزی گفتمان مکتب شهید سلیمانی را در توحید محوری، ولایت مداری، اخلاص، خدمت به عیال الله، غایت مداری و توجه به آخرت و قیامت تلقی کرد.

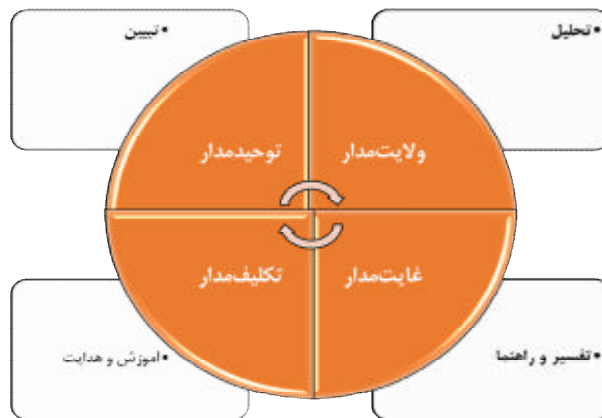




دال‌های مرکزی شخصیت شهید سلیمانی

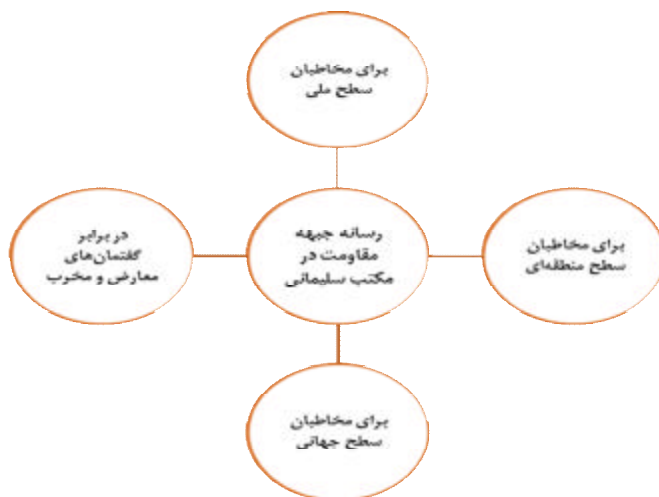
این دال‌های مرکزی در زنجیره‌های هم‌ارزی به دال‌های فرعی دیگری تقسیم می‌شوند. بر همین اساس مهم‌ترین دال‌های گفتمانی رسانه مکتب سلیمانی را می‌توانی بدین صورت برشمرد: تکلیف‌گرا بودن، احساس مسئولیت اجتماعی در برابر مردم، ولایت‌افزا، قدرت‌گفتمانی فراحوزه‌ای، استکبارستیز، حامی مستضعفان، نخبه‌پروری، معنویت، مجاهدت، شهادت، مشورت، درایت، شجاعت، بصیرت‌گرا، دشمن‌شناس.

رسانه طراز مکتب سلیمانی باید ضمن تبیین و تحلیل مؤلفه‌های مکتب به مفهوم پردازی‌های متناسب با جایگاه و نقش مکتب توجه نماید. در چنین رویه‌ای، این رسانه سطوح گفتمانی مکتب را به عنوان مسیر حرکت و فرایند کنشگری رسانه‌ای خود انتخاب نماید.



مؤلفه‌های و کارکردهای رسانه طراز مکتب سلیمانی

با اتکا بر ویژگی‌های شخصیتی شهید و دال‌های مرکزی، دال‌های برتر در رسانه طراز مکتب سلیمانی باید در تناسب با رویکرد تکلیف‌مدارانه و هنجارمند بر اساس منش توحیدی باشد.



رسانه طراز مکتب سلیمانی به عنوان رسانه جبهه مقاومت با هدف تولید و انتشار آموزه‌های مکتب توحیدی و اسلام ناب و برای مخاطبان هدف در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی و مهمتر از همه دفاع از گفتمان اسلام و ولایت در مقابل گفتمان‌های معارض و مخرب ایفای نقش می‌نماید. این رسانه در کارکردهای اطلاع‌رسانی، آموزشی، هدایت و راهنمایی، تفسیر و تبیین‌ها، تولید و انتشار باید بر اساس چهار سطح گفتمانی مرکزی و قدرت درونی، پیوستاری رسانه، لایروبی و جهانی و غایت مدارانه عمل نماید.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم

- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از دانشجویان، ۹۵/۰۴/۱۲.

- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری در پایان اجلاس دور روزه خبرگان، ۱۳۹۲/۰۶/۱۴.

- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش بین‌المللی رسانه‌های جهان اسلام در حمایت از انتفاضه فلسطین، ۱۱ بهمن ۱۳۸۰.

- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مدیران و برنامه‌سازان رسانه‌ای کشورهای مختلف، ۲۶ اردیبهشت ۸۵.

- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما، ۱۵ بهمن ۱۳۸۱.

- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار هیئت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳/۰۴/۰۱.

- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مدیران و برنامه‌سازان رسانه‌ای کشورهای مختلف، ۱۳۸۵/۰۲/۲۶.

- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولین صدا و سیما، ۱۳۸۳/۹/۱۱.

- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳/۲/۲۸.

- خمینی (امام)، روح‌الله، ولایت فقیه، ج ۵، ۱۳۸۷.

- عینی‌زاده (موحد)، محمد و مودب، سیدرضا، «نظام‌سازی در نگاه تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله)»، مطالعات قرآن و حدیث، س ۱۱، ش ۱ (پیاپی ۲۱)، پاییز و زمستان ۱۳۹۶.

- لسان العرب، ج ۱؛ «اسوه»، المصباح، ج ۱؛ «اسه» مقایسیس اللغه، ج ۱، «اسو».

- مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار، ج ۱۵، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

- مکارم شیرازی، ناصر، پایگاه اطلاع رسانی دفتر ایشان

<https://makarem.ir/main.aspx?lid=۰&mid=243437&typeinfo=25&catid=22863>

- مهرداد، هرمز، مقدمه‌ای بر نظریات و مفاهیم ارتباط جمعی، تهران: نشر فاران، ۱۳۸۰.